

مروری بر تاریخ مشروطه خواهی در اصفهان

مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی و فرهنگی، پژوهشگاه فرهنگ، اندیشه و تاریخ، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۶۲-۲۶۱

حکومت چهارم مسعود میرزا ظل السلطان، اوج انحطاط و سیروزی عظیم شهر  
تفان برش از آن به علاوه زمین باقی مانده از مسجدهای قدیم و حاکمیت ایدولوژیک  
بر روی مردم است. در آن دوران چهاردهم مهر و خرداد و در ماه شهریور و آبان  
کشت و کوفت و آوارگی و غیره در اصفهان و در آن زمان که در آن زمان که در آن  
را به این شهر که مشروطه خواهی در اصفهان

### مروری بر تاریخ مشروطه خواهی در اصفهان

(به روایت چند سند و متن تاریخی)

موسی نجفی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

بررسی ابعاد رویداد بزرگ تاریخی نهضت مشروطیت ایران، کاری مهم و بس دشوار است. هنوز هم درس هایی نهفته و رمز و رازهای بسیاری در مشروطه وجود دارد. از جمله قسمت هایی که در تاریخ مشروطیت ممکن است حرف های مهمی برای امروز ما وجود داشته باشد و به روشن شدن صفحات ناشناخته این نهضت کمک کند، بررسی روند مشروطه خواهی در شهرهای مختلف ایران است. یکی از این مراکز که نقش محوری و مهمی در روند کلی مشروطیت ایران داشته، شهر اصفهان و به تبع آن «بختیاری» است. در مقاله حاضر، روند حرکت مشروطه خواهی در اصفهان به اجمال با توجه به دو ملاک «انجمن مقدس ملی» و «مطبوعات» مبانی فکری و اهداف مشروطه خواهان اصفهانی بررسی می شود.

فرهنگ، ۶۰؛ زمستان ۸۵؛ صص ۲۶۲-۲۳۱

توضیح درباره اهمیت و ارزش مطبوعات در آگاهی‌بخشی و انعکاس ارزش‌ها و تفکرات یک جامعه، توضیح واضح‌تر خواهد بود؛ اما به شکل موجز می‌توان گفت با توجه به ارزش «گذشته و تاریخ» و اهمیتی که شناخت تاریخی برای حیات امروز ما دارد، توجه خاص به اسناد و مدارک و اوراق به‌جامانده از دیروز، راهنمای شناخت امروز و فردای ما خواهد بود.

تاریخ اجتماعی و سیاسی شهر کهنسال اصفهان هنوز به‌طور کامل نگارش نیافته است. هر از گاه یکی از مورخان و محققان قسمتی و یا سنواتی از آن را به‌رشته تحریر درآورده است.<sup>(۱)</sup>

به‌طور کلی می‌توان گفت فرازونشیب‌های اجتماعی و سیاسی مهم اصفهان را باید از دوران صفویه و به‌خصوص شاه عباس اول دنبال کرد؛ زمانی که نوسازی و توسعه در ابعاد مختلف این شهر جلوه‌گر شده است. شهرسازی نوین، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و اداری، توسعه نهادهای فرهنگی و اجتماعی و هنری، همه و همه در آن زمان تحولی کیفی را نشان می‌دهند؛ تحولی که اصفهان را در مجموع به‌عنوان «نگین درخشان جهان اسلام» و از جمله مشهورترین و معظم‌ترین شهرهای قرن ۱۱ هجری/ ۱۷-۱۶ میلادی در جهان جلوه‌گر می‌سازد.<sup>(۲)</sup>

سیاحان، سفیران و تاجران اروپایی، درباره توسعه و عظمت خیره‌کننده این شهر بسیار نوشته‌اند و طی سنوات و دهه‌های متمادی، دیدن شهر اصفهان آرزوی هر شهروند اروپایی بوده است. به این توسعه و اعتبار باید توسعه و رشد «حوزه علمی و دینی» این شهر را اضافه کرد؛ حوزه‌ای که در خود صدها محقق، فقیه، ادیب، عارف و فیلسوف را پرورش داده است. یک نمونه از آن رونق علمی را که امروز در حوزه مکاتب عقلی شهرت جهانی دارد، می‌توان در پرتو مکتب فلسفی صدرایی مطالعه کرد، مکتبی که به‌حق از آن به‌عنوان «مکتب اصفهان» یاد شده است. (نصر، ۱۳۶۲)

سقوط اصفهان در سال ۱۱۳۵ ه. ق. هرچند از رونق علمی و اجتماعی این شهرکاست، عظمت و ابهت آن بنای عظیم را نتوانست درهم شکند. دوره‌های نادرشاه (۱۱۶۰-۱۱۴۸) و زندیه تا آغاز حکومت قاجارها (۱۲۰۰ ه. ق.)، اصفهان

مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۳۳

مرکزیت و محوریت دوران قبلی را ندارد که البته یکی از علت‌های مهم آن، پایتخت‌نبودن این شهر بوده است. از دوران قاجاریه تا ۱۳۰۹ ه. ق. که قیام تنباکو در اصفهان را دربر می‌گیرد - رکود و انحطاط را می‌توان در دنباله آن توسعه و رشد دوره صفویه شاهد بود؛ انحطاطی که هر از گاه همچون موریانه قسمتی از این بنای شکوهمند را از بین می‌برد.

حکومت جابرائله مسعود میرزا ظل‌السلطان، اوج انحطاط و سیه‌روزی این شهر بزرگ بوده است. در سه دهه اول قرن چهاردهم هجری، چند واقعه مهم، روند این انحطاط یک‌قرن و نیمه را کمی عقب انداخت و آثاری از رشد و توسعه و حیات را به این شهر کهن بازگرداند (باید گفت مشروطیت شهر اصفهان در دوره اول مشروطیت، با تعبیر و تفسیر شریعت خواهانه بوده است):

۱. قیام تحریم دخانیه که اصفهانیان در این واقعه، در ایران پیشتاز بودند.<sup>(۳)</sup>  
۲. تأسیس شرکت اسلامی که در سال ۱۱۷۶، تقریباً تمامی مطبوعات آزادیخواه و وطن‌دوست ایران را به شور آورده بود و بزرگ‌ترین حرکت اقتصاد ملی علیه سلطه اجانب در ایران بوده است.<sup>(۴)</sup>

۳. حرکت تأسیس انجمن صفاخانه که مناظره بین علمای شیعه با مبلغین نصاری و حاصل آن حرکت اصیل فرهنگی مجله الاسلام به سال ۱۳۲۱ قمری بوده است.

۴. حرکت جنبش عدالت‌خانه و انقلاب مشروطیت در اصفهان و بختیاری در سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ ه. ق.؛ حرکت اصیلی که (به‌نظر راقم سطور) رنگ مذهبی و ملی آن از همه شهرهای ایران بیشتر و عمیق‌تر بوده و در زمینه مبارزه با استعمار خارجی خصوصاً استعمار انگلیس بیشترین «هوشیاری ملی» را از خود بروز داده است.

۵. فتح اصفهان به سال ۱۳۲۷ ه. ق. و رفع استبداد حاکم محمدعلیشاه قاجار به رهبری آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی با کمک قوای ضرغام‌السلطنه و صمصام‌السلطنه بختیاری.

این پنج واقعه (به‌نظر نویسنده) در رأس تحولات کیفی و مهم اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی اصفهان در سه دهه اول قرن چهاردهم هجری قرار

دارد.

### تحولات انقلاب مشروطیت در اصفهان

روند مشروطیت در اصفهان از نظر عقیدتی و سیاسی، دو دوره عمده را شامل می‌شود:

دوره اول، از ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ ه. ق.، که دوران ریاست و پیشوایی مرحوم آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی بوده است و ریاست ایشان بر انجمن مقدس ملی اصفهان باعث شده بود مهم‌ترین اهرم سیاسی شهر در دست روحانیت قرار گیرد و این امر چندان اهمیت داشته که احمد کسروی - نویسنده لائیک - طی حمله به روند مشروطیت در اصفهان، آن را «مشروطه آخوندها» نامیده است. (کسروی، ۱۳۷۸: ۳۸۵)

دوره دوم مشروطیت، از ۱۳۲۷ ه. ق. تا کمی قبل از شروع جنگ اول جهانی (۱۳۳۲ ه. ق.)، که به روایت تاریخ، خوانین قدرتمند بختیاری نه تنها در اصفهان بلکه در تمامی ایران حرف اول را می‌زده‌اند. البته در این زمان، فعالیت‌های دو حزب غرب‌گرای «دمکرات» و «اعتدالی» هم در صحنه سیاسی و اجتماعی شهر اصفهان مشهود بوده است. اما موضوع بررسی این مقاله، تحقیق درباره مطبوعات دوره اول مشروطیت در اصفهان است.

### روند مطبوعات اصفهان در دوران مشروطیت

در مطبوعات دوره اول مشروطیت به تبعیت از روند مشروطیت اصفهان، از این محورها سخن به میان می‌آمده است:

۱. فضیلت آزادی و نکوهش استبداد، البته با ابزار و تفسیرهای شریعت‌خواهانه؛
۲. نفی استعمار روس و انگلیس و سلطه بیگانه (این قسمت از مشروطیت اصفهان، بسیار پررنگ بوده و در مقایسه با سایر شهرهای ایران، نوعی «درجه آگاهی و اصالت» زیاد را نشان می‌دهد؛

مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۳۵

۳. مردم‌گرایی و ملت‌دوستی (که در اکثر سرمقاله‌های روزنامه‌ها و جراید به چشم می‌خورد)؛

۴. آگاهی‌دادن از اخبار سایر شهرها و تفسیر اخبار مجلس شورای ملی و پایتخت و نیز آگاهی‌دادن از تحولات سایر کشورهای جهان؛

۵. مقالات مذهبی و ملی در تفسیر انواع حکومت و سیاست و نیز بحث از ریشه‌ها و جوانب عقیدتی و فکری مسائل سیاسی و اجتماعی و مدنی.

۶. اخبار شهری و ظهور وقایع روزمره و نیز درج تلگراف‌ها و مکاتبه‌های سیاسی.

چنان‌که اشاره شد، دو سال اول مشروطیت (۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ ه. ق.)، محور و مرکز فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی شهر اصفهان، «انجمن مقدس ملی اصفهان» به ریاست آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی بوده و انعکاس «اخبار انجمن اصفهان» در رأس اخبار مطبوعات اصفهان قرار داشته است.

مطبوعات عمده اصفهانی در این زمان عبارت بودند از:

الجناب، جهاد اکبر، روزنامه انجمن مقدس اصفهان، انجمن بلدیۀ اصفهان، اصفهان.

با بررسی این جراید و مقالات مندرج در آنها، بااطمینان می‌توان ادعا کرد که سطح فکر و محتوای مقالات و کیفیت مطالب و عمق تفکر سیاسی و اجتماعی و فلسفی جراید اصفهان در آن دوره، بالاتر و غنی‌تر از سطح مقالات دهه‌ها و دوره‌های بعدی بوده است. این میزان حتی از دهه اخیر تاریخ فرهنگی شهر اصفهان نیز درجه رشد بیشتری را در یک دید تطبیقی نشان می‌دهد.<sup>(۵)</sup>

جایگاه نهاد سیاسی «انجمن مقدس ملی» در مشروطیت اصفهان

بعد از آنکه مشروطه‌خواهان اصفهان به رهبری مرحومان آیت‌... آقاجنقی و آیت‌... حاج آقانورالله نجفی از مهاجرت کبرای علما در قم به اصفهان بازگشتند، از آنجا که حکومت استبدادی ظل‌السلطان، بعد از فرمان مشروطیت، دیگر نمی‌توانست توجیهی برای ماندن داشته باشد، مرحوم حاج آقا نورالله به سرعت دست به کار

شد و عده‌ای از علمای در صحنه و آزادیخواهان غیروابسته و ضداستعماری را دور هم جمع و هسته اولیه «انجمن مقدس ملی اصفهان» را پی‌ریزی کرد. افراد خوشنام و شاخص این انجمن عبارت بودند از آقایان حجج اسلام سید ابوالقاسم زنجانی، شیخ محمدعلی کلباسی، سید حسن ملاذالاسلام روضاتی، سید حسن مدرس اسفهای و تنی چند از تجار و متنفذان شهر مانند محمدحسین کازرونی و مرحوم ملک‌التجار.

در سال‌های اولیه مشروطیت اصفهان، به دلیل ریاست و هدایت مرحوم حاج آقا نورالله، عناصر وابسته به استعمار و لائیک نتوانستند مانند برخی شهرها، در روند آن اخلاقی ایجاد کنند؛ لذا باید گفت مشروطیت شهر اصفهان در دروه اول «مشروطیت» با تعبیر و تفسیر شریعت‌خواهانه بوده است. مبین این نظر، یکی از اعلامیه‌هایی است که در زمان مشروطه در سطح اصفهان و بختیاری دستورالعمل فکری بوده و از دیدگاه‌ها و عمق دقت مشروطه‌خواهان مذهبی این شهر حکایت داشته است:

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تبارک و تعالی «ان الدین عند الله الاسلام...»<sup>۱</sup> و قال تعالی «و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه...»<sup>۲</sup> و قال تعالی «...و لا تموتن الا و انتن مسلمون» و «قال علیه السلام لا شرف اولی من الاسلام»<sup>۳</sup>.

در روز پنجشنبه، ۴ ذی‌القعدة الحرام ۱۳۲۵ هـ. ق.، عموم علمای اعلام و حجج اسلام حصون شریعت سیدالانام علیه آلاف والتحیه والسلام، حاضر و بر خود متحتم و لازم نمودند که بالاتفاق به تمام هستی خود در اعلائی کلمه اسلام و احیای سنن شریعت خیر المرسلین علیه صلوات المصلین و ابطال بدع مبدعین و اعانت مظلومین کیف ما کان و بالغاً و ما بلغ به جان و مال و عرض و عمر در این مقصد مقدس و حفظ و حمایت مجلس شورای ملی و انجمن ملی اصفهان حاضر و بدون ملاحظه شخصی و اغراض نفسانی به اقدام و اهتمام در انجام این مقصد مقدس سعی و در

۱. آل عمران / ۱۹.

۲. آل عمران / ۸۵.

۳. آل عمران / ۱۰۲.

مروری بر تاریخ مشروطه خواهی در اصفهان - ۲۳۷

تمام مطالب مرقومه تماماً ید واحده و لسان واحد باشند و امید نصرت از حضرت احدیت و توجهات امام عصر - عجل الله تعالی فرجه - داشته باشند - ان شاء الله تعالی به کلمه واحد متفق خواهند بود.

والسلام علی من تبع الهدای

۱۲ ذی القعدة - ۱۳۲۵ قمری

محل خاتم مبارک آقایان عظام کثر الله امثالهم:

حضرت حجة الاسلام حاج شیخ محمد تقی نجفی

حضرت ثقة الاسلام حاج شیخ نورالله نجفی

حضرت سیدالعلمای اعلام حاجی میرزا ابوالقاسم زنجانی

حضرت آقا شیخ مرتضی ریزی

حضرت حجة الاسلام حاجی سید محمد باقر<sup>(۶)</sup>

حضرت حاجی آقا میرزا حسن دکمه چین

آقای آقامیرزا محمد تقی محله نوی

آقامیرزا محمد باقر

آقای میرزا ابوالحسن اخوی (از فرزندان مرحوم حاجی سیدعلی

بروجردی)

آقای آقامیرزا محمدعلی زنجانی

آقای محمدعلی مدرسی

آقای میرزا مهدی دولت آبادی

آقای شیخ محمدحسن نظام العلماء

حضرت حاجی آقا میرزا محمدحسن

آقای میرزا محمدعلی کلباسی

آقای حاجی محمد اسماعیل نقنه

آقامیرسید محمد

آقای آقامیرزا مهدی بحر العلوم

آقای میرزا احمد دولت آبادی

آقای میرزا عبدالکریم

آقای آقامیرزا محمد باقر. (نجفی، ۱۳۷۶: ۲۰۱)

از متن این اعلامیه تاریخی، چنین برمی آید که اهم اهداف مشروطه خواهان اصفهان را چند محور تشکیل می داده است: ۱. اعلائی کلمه اسلام، ۲. احیای سنن شریعت نبوی، ۳. ابطال بدعت، ۴. اعانت مظلوم.

### آیین نامه ابتدایی انجمن مقدس ملی اصفهان:

- اولاً: محل نشستن اعضای مجلس معین باشد.
- ثانیاً: محل نشستن منشیان و قاریان عرایض معین باشد.
- ثالثاً: عارض اولاً باید عرایض خود را با نمره که برحسب آن استماع شود، مکتوباً ارائه نماید؛ چنانچه مطلب قابل رسیدگی و مذاکره در مجلس باشد، قرائت نماید و الا لم یقرأ به صاحبان آنها رد شود.
- رابع: محل تماشاچیان باید از طبقات فوق مجزا باشد.
- خامساً: محل جلوس اعضای فعلی باید محلی باشد که همه کس آنها را ببینند، مثل بالای مجلس.
- سادساً: وقت سؤال و جواب عرایض باید موقت باشد و با دقت سؤال و جواب خود آنها و امورات عام مجزا باشد.
- سابعاً: درب مجلس دو نفر آدم عاقل باشد که اطفال و اشخاص غیرممیز را از دخول نهی نماید.
- ثامناً: حرف زدن تماشاچی ممنوع باشد.
- تاسعاً: کسی غیر از خود اعضاء حق فضولی به عارض را نداشته باشند.
- عاشرأ: وقت حرف زدن اعضاء چه در خصوص عرایض و چه در خصوص امورات عام باید همه را امر به سکوت نمایند.
- حادی عشر: همیشه بیشتر از یک نفر چه اعضاء و چه عارض، چه تماشاچی حق حرف زدن نداشته باشد.
- ثانی عشر: همه باید نشسته باشند. (نقل از روزنامه/اصفهان، ش ۴، ذی القعدة ۱۳۲۴ ه. ق.)

این آیین نامه ابتدایی به تاریخ ۱۹ ذی قعدة ۱۳۲۴ تدوین شد و در تکمیل آن، باتوجه به گسترش دامنه قدرت و اختیار انجمن، نظامنامه جدید داخلی، به شرح زیر، در یکی از جراید اصفهان در دوره مشروطیت منتشر شد:

مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۳۹

نتیجه مذاکرات یوم پنجشنبه، ۷ شهر شوال، در منزل جناب مستطاب آقای ثقه‌الاسلام (حاج آقا نورالله مدظله)، قرارداد نظم جدید داخلی انجمن ملی که با اکثریت آرا معین شده و چون باید خاطر مبارک اعضای انجمن مستحضر باشد، اکنون حسب الامر مبارک حضرت ثقه‌الاسلام، این اوراق نوشته و به حضور مبارک انجمن فرستاده شد:

۱. ایام انعقاد انجمن در هفته سه روز است: روز شنبه، روز سه شنبه، روز پنجشنبه.

۲. اعضای محترم باید دو ساعت و نیم به غروب مانده، در انجمن حاضر باشند؛ و ختم مجلس، نیم ساعت به غروب مانده است.

۳. هرگاه احدی از اعضای محترم از ساعت مذکور الی پنج دقیقه دیرتر آمدند، مطابق وظیفه شرعی که به وکالت خوانده شده، پنج دینار بدهند تحویل دفتردار انجمن که به تصویب انجمن، به معرفی که صلاح بدانند، برسانند.

۴. اعضای محترم خودشان شخصاً حاضر شوند؛ نماینده قبول نخواهد شد.

۵. اخطار تخلف اعضای محترم به انجمن، با جناب امیرزاسیدحسن است.

۶. محل جلوس اعضای محترم از قرار به صورت دایره است.

۷. روزنامه‌نگاران حق ضبط مکتوبات تلگرافات در انجمن را ندارند؛ بعد از چهارده ساعت از منشی انجمن بگیرند.

۸. غلیان کشیدن در انجمن موقوف است، سوای یک مرتبه که بعد از یک ساعت انعقاد، خادم انجمن خبر بدهد بیاورند.

۹. غیر از وکلا حق نطق ندارد مگر به اجازه حضرت رئیس؛ و اگر مطلبی نشراً داشته باشد، کتبی به انجمن بدهد.

۱۰. عنوانات مذاکرات با حضرت رئیس است.

۱۱. اخذ آراء از نایب رئیس از طرف یمن حضرت رئیس به ترتیب رأی بدهند؛ و اگر لازم شد در دوره دوم باز به ترتیب مذکور دلیل گرفته شود

و اگر تمام نشد و دوره سیم روی ورقه بنویسند و بدهند.

۱۲. عریضه‌جات را جناب امیرسیدحسن بگیرند. هر کدام که راجع به یکی

از ادارات است، در ظهر آن نوشته، رد کنند و هر یک راجع به انجمن است، قرائت کنند.

۱۳. فهرست مطالب مکتوبی و تلگرافی که باید منشی انجمن بنویسد، با حاجی میرزا محمود است که بنویسد و به منشی انجمن صورت بدهند.

۱۴. دفتر انجمن در هنگام ختم انجمن ذیل مطالب حاجی میرزا محمود مهر کنند. (روزنامه جهاد اکبر، اصفهان، شوال ۱۳۲۴ هـ. ق؛ نقل از: نجفی، ۱۳۶۹: ۱۵۳-۱۵۱)

### روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان

اخبار «انجمن مقدس ملی اصفهان» و در حقیقت مذاکرات و تفکرات رسمی مشروطه اصفهان در روزنامه این انجمن منعکس می شده است. تعدادی از شماره‌های اولیه این روزنامه نزد نویسنده مقاله موجود است؛ که البته به محتوای یکی از شماره‌های آن اشاره می شود. اما قبل از آن، توضیحاتی که نویسنده تاریخ *جراید و مجلات ایران*، مرحوم سید محمد صدر هاشمی، درباره این روزنامه نوشته است، نقل می شود:

روزنامه انجمن اصفهان که در سال دوم به نام انجمن مقدس ملی اصفهان و انجمن مقدس ولایتی اصفهان و در سال سوم و چهارم منحصراً به نام انجمن اصفهان موسوم گردیده، در شهر اصفهان به مدیریت آقاسراج‌الدین جبل‌عاملی موسوی و دبیری نجم‌الواعظین موسوی در سال ۱۳۲۴ قمری تأسیس و شماره اول آن در تاریخ یکشنبه ۲۱ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ قمری مطابق با ۶ ژانویه ۱۹۰۶ میلادی، در چهار صفحه با چاپ سنگی منتشر شده است. در شماره‌های اولیه، مدیر کل آقاسراج‌الدین صدر جبل‌عاملی‌الموسوی و دبیر اداره میرزا محمدعلی علم و ناظم و تحویلدار آقامیرزا محمدسعید نائینی — مدیر مطبعه سعادت — معرفی شده است و مقاله افتتاحی آن بدین قسم شروع می‌گردد: «از آن رو که این جریده به نام نامی و اسم گرامی انجمن شورای ملی اصفهان نامیده می‌شود، انشاءالله، در ابتدا لازم آمد لفظ مجلس در اصطلاح و عرف متمدنین ترجمه شود تا قرائت‌کنندگان درباره منبع خیر و معدن صلاح و ثروت و عزت و استقلال خود به قدر

مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۴۱

میسور معرفی حاصل نماید. (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۲۸۸)

نویسنده درباره خط و عناوین روزنامه در ادامه می‌نویسد:

روزنامه انجمن در سال‌های اول و دوم به خط نستعلیق و در سنوات بعد به خط نسخ و معمولاً از هشت تا چهار صفحه به قطع هشت‌ونیم و دوازده‌ونیم چاپ گردیده و طرز انتشار آن هفتگی است؛ یعنی روز جمعه طبع و روز شنبه منتشر می‌شده است. اسم روزنامه به خط نستعلیق درشت و خصوصیات دیگر آن در دو طرف نام‌روزنامه چاپ می‌شده است:

«جریده‌ای است آزاد از منافع عامه و سیاسیة دولت و ملت و مذاکرات انجمن مقدس ملی اصفهان و لوایح و مقالات مفیده درج می‌شود.» خصوصیات روزنامه بدین قرار است: «اداره مرکزی، اصفهان - بازارچه حضرت امامزاده احمد(ع) عنوان مراسلات بازارچه امامزاده احمد، مراسلات بدون امضاء کافی نیست. وجه اشتراک پس از ارسال سه نسخه مکاتبه می‌شود. قیمت اشتراک سالیانه دو تومان، سایر بلاد ایران ۲۵ قران، بلاد خارجه سه تومان، قیمت یک نسخه سه شاهی. قسمت اعلانات سطری یک قران». (همان، ص ۲۸۹)

مندرجات روزنامه در سال دوم و سوم و چهارم و پنجم مانند سال اول و مذاکرات انجمن ولایتی اصفهان در آن درج است. در این سنوات نیز روزنامه هفتگی بوده و مرتباً همه هفته منتشر می‌شده و در سبک و قطع روزنامه تفاوتی پیدا نشده، تنها تغییر مهم چاپ روزنامه است که به عوض چاپ سنگی، از سال سوم به بعد روزنامه با حروف سربی طبع گردیده، مطبوعه سربی که روزنامه در آن به طبع می‌رسیده، موسوم به مطبوعه «ترقی‌خواهان» بوده است. علاوه بر این، در سال پنجم، مقالات مختلف به‌عنوان «تمدن» و «عدالت» و این قبیل مطالب بیشتر صفحات روزنامه را گرفته، تعداد صفحات از ۴ تا ۸ صفحه به قطع وزیری تغییر پیدا می‌کرده و غالباً در هشت صفحه منتشر می‌شده است. (همان، ص ۲۹۲)

در پایان، برای مستندکردن بیشتر این بحث، متن یکی از شماره‌های روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان نقل می‌شود. نقل متن اصلی، محاسن و فواید زیر را در بر دارد:

۱. از آنجا که امروز، بعد از گذشتن نزدیک به یک قرن، نسخه‌ای از این روزنامه موجود نیست و شاید اکثراً حتی اسم این روزنامه را هم نشنیده باشند، نقل یک شماره از مطالب این روزنامه، احیای یک نسخه تاریخی است.
۲. اهم مطالب و تیربندی و محتوای روزنامه نشان داده می‌شود.
۳. با سبک قلم و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی دوران مشروطیت آشنا می‌شویم.
۴. تلگراف‌ها و مکاتبه‌های تاریخی و مراسلاتی که در روزنامه موجود است، ارزش تاریخی دارد.
۵. با نقل متن یک شماره از روزنامه می‌توان فهمید که چه مقدار از مطالب روزنامه را مذاکرات انجمن، چه مقدار را افکار سیاسی و اجتماعی و چه مقدار را وقایع و مطالب دیگر تشکیل می‌داده است.
۶. این روزنامه به‌خوبی می‌تواند دیدگاه مشروطه‌خواهان اصفهانی را درمقابل جناح‌بندی‌های مشروطه‌خواهان سایر شهرها و روند مشروطیت پایتخت را منعکس کند.
۷. شرح یکی از جلسات انجمن مقدس ملی اصفهان و خواندن مشروح مذاکرات، ما را با حال و هوای اولین تجربه آزادی و شورا در شهر اصفهان آشنا می‌کند. اطلاع از میزان فهم، قدرت اندیشه و نحوه استدلال، و پرداختن به مسائل مهم انقلاب مشروطیت از دیدگاه رهبران و رجال مشروطیت اصفهان، دستاورد بعدی و فایده مهم خواندن روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان است.

#### روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، شماره ۲۷

یکی از سیاحان می‌نویسد نتیجه سیاحت من این است که در تمام ایران دیدم در هیچ بلادی آثار ترقیات و شمایل تمدن به‌نظر نیامد که بدان خوشوقت شوم. در زراعت و تجارت بدانچه از پدران خودشان دیده‌اند، قناعت دارند و جای بسی تعجب است که بدان نیز مفتخرند که شیوه اسلاف هنوز تماماً در میان ما مرعی است. اما از این حرف و فراهم آوردن اسباب ترتیبات خانگی به درجه پیش افتاده‌اند که ابداً اجدادشان آن وضع را در

مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۴۳

خواب خودشان هم ندیده بودند؛ به جای ظروف مسین که از معمولات و مصنوعات وطن عزیز بود و یک صد سال به رفع احتیاجات یک خانواده بزرگی به قدر دویست تومان از آن کفایت می‌نمود و در آخر هم چیزی از قیمت آن نمی‌کاست، امروز به دویست تومان یکپارچه چهل چراغ خریده، بر سقف اطاق‌های خودشان می‌آویزند که به یک افتادن به‌جز از یک کلمه «واه» صاحبش را چیزی از آن باقی نمی‌ماند. واضح است که از تصویر نیاکانشان، امثال این چیزها هیچ‌وقتی نگذشته بود و یکی از این انبوه مردم که علی‌الاکثر صاحبان املاک هم هستند، هیچ‌گاهی بدین خیال نیفتاده‌اند که از مملکت همسایه یک ماشین خرمن‌کوبی یا یک داست ماشین از برای درون غله یا اینکه یک ماشین گندم‌پاک‌کن برای نمونه خریده، بیاورند. در مزارع خودشان کار چه دارند تا محسنات آنها را به‌رأی‌العین ملاحظه کنند و در تمامی این مملکت از شهرهای بزرگ گرفته تا قصبات و قریه‌ها دودکش یک ماشین و فابریکی دیده نمی‌شود که دودی از آن متصاعد گردد و از هیچ طرف بانگ صورت و سفیر حرکت ورود راه‌آهنی شنیده نمی‌شود (چرا طهران برای نمونه یک فرسخ راه‌آهن هست آن هم از رعیت ایران نیست). در هیچ شهری، بنای دوایر دولتی عمارت بلند و باشکوهی نیست. از مکاتب دولتی و مریضخانه در هیچ جا نشانی نمی‌توان یافت و هیچ نقطه کومپانی و بانگ که نمونه ترقی و تمدن است، مشهود نیست. کسی را پروای وضع مساجد نیست؛ مقابر بزرگان پیشین مانند سلاطین صفویه و غیره همه خراب. از زحمات نایب‌السلطنه عباس میرزایی مرحوم و خدمات امیرکبیر میرزاتقی‌خان مغفور که در راه ملک و ملت کشیده و کردند، سخنی که دلیل قدردانی اخلاف باشد، در میان نیست. نه نیکان را به رحمت یاد می‌کنند و نه بدان را به بدی نام می‌برند. ترک حقوق و قطع صلّه رحم و بی‌مروتی و عدم انصاف و بدخواهی همدیگر شغلشان است. ولی با این وضع، چون چند نفری یکجا گرد آیند، می‌گویند «ای بابا دنیا پنج روز است؛ باید فکر آخرت نمود». اما همه دروغ به‌زبان می‌گویند ولی به‌فعل ننگرند. آنچه در خیالشان می‌گذرد، همان پرسش روز حساب است. خیرات می‌دهند؛ اما اطعام اغنیا می‌کنند نه فقرا. اعمالشان همه از روی ریا است. بی‌طمع و توقع احدی سلام نمی‌نمایند. نماز جماعتی را که می‌کنند،

از پیشنماز توقعی دارند. اخلاق مردم چندان فاسد گشته که اصلاح آن مشکل می‌نماید، مگر اینکه محض تسلی خودمان بگوییم: چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند. در عرض راه، از هر کجا که می‌گذری، همه جا زمین قابل هرگونه زراعت و حراثت است ولی چه سود که غالباً بایر و لم‌یزرع افتاده است؛ هم چنان بعضی از شهرهای بزرگ و کوچک از قلت سکنه گویی وادی خموشان است. بس که اهالی ناچار از مهاجرت ممالک خارجه شده‌اند، شهرها خالی از مخلوق به نظر می‌آید.

بدبخت‌ترین سکنه این ملک، گروه مزدوران و فعله و همانند بیچارگان باید یک روز کار کرده و یک روز نیز بی تحصیل نان دکان به دکان بگردند تا شام بلکه بتوانند نیم‌من نان با پول خودشان به‌چنگ آورند. (سرمقاله روزنامه)

#### مذاکرات انجمن مقدس ملی، شنبه ۱۷

از روز دوشنبه ۱۲ اهالی اصفهان تعطیل عمومی کردند. به‌طوری که در نمره ۲۶، عصر سه‌شنبه ۱۳ را مشروحاً نگاشتیم، در ظرف آن چند روز، از طهران از اتابک اعظم و حجة الاسلام آقای امیر سید محمد ظلّه در جواب تظلمات اهالی اصفهان تلگرافات شد. خلاصه آنکه شاهزادگان را به طهران احضار نموده‌اند. باز اطمینان از جهت اهالی حاصل نشد و روز شنبه دکاکین را بستند. آقای حجة الاسلام و آقای ثقة الاسلام شرحی به‌عموم نوشتند که بازارها را باز کرده و به‌شغل و کسب خود مشغول باشند. حضرات هم قبول کردند و رفتند با بعضی از سادات و یک نفر هم از سمت (...) با جمعیه حرکت کرده، امر به بستن بازار کردند و تمام بازار را بستند و به‌سمت مسجد شاه آمدند و فریاد می‌کردند کسانی را که می‌خواستیم بروند. تا حال نرفته‌اند و عموماً تلگرافی به‌اتابک اعظم نمودند و هر ساعت شورش بالا می‌گرفت تا سه به‌غروب مانده، جمعیت به‌سمت چهل ستون حرکت نمودند و اطراف انجمن را چون خط پرگاری احاطه نمودند. آقای ثقة الاسلام از جهت کسالت مزاجی که چند روز است عارض شده، به‌انجمن نیامدند. جمعی هم رفته بودند که آقای ثقة الاسلام را بیاورند. چون درحال اشتداد تب بودند، نتوانسته بودند تشریف بیاورند و بعضی فرمایشات فرموده بودند که امر بر اسکات و جلوگیری از بلوای

مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۴۵

عمومی بود و شخص (...) مبلغ ابلاغ فرمایشات را به‌جای نیاورده، تلگرافی از حضرت والا ظل‌السلطان در انجمن قرائت شد.

### صورت تلگراف

جنابان جلال‌مآبان اجل رکن‌الملک و ملاباشی تلگراف ذیل را مجلس محترم چهل ستون گفته‌ام به‌توسط شماها قرائت شود - ظل‌السلطان.

انجمن ملی محترم اصفهان دام بقاؤهم! چون من اول کسی هستم که در انعقاد انجمن کوشش کرده، در آن مجمع مقدس به‌قرآن و شمشیر قسم خورده‌ام، حق دارم این مطلب را اظهار نموده، از آن انجمن استغناء نمایم. اینجا بعضی عناوین ذکر می‌شود که به‌کلی مخالف با عالم مشروطیت و عدالت و مساوات است و این مطلب واضح است که مشروطیت که بندگان اعلیٰ حضرت همایونی روحانفاده مرحمت فرموده‌اند به‌دولت و ملت، عموماً مرحمت کرده و تمام افراد در تحت این مشروع مقدس‌اند؛ در این صورت، اختصاص به‌بعضی و دون بعضی ندارد و این عناوین مسموعه به‌کلی خارج از قاعده مشروطیت و صرف استبداد به‌منظر می‌آید. من اینجا هم که هست، از حمایت این مشروع مقدس شورای کبری و آقایان حجج اسلام همه گواه هستم و احدی مجال انکار نیست، به‌آن جهت از مجلس محترم سؤال می‌نمایم که در صورت صدق که این عناوین شده باشد، از چه مأخذ بوده و چه علت داشته. کسی نمی‌تواند از خانه و زندگی خود صرف نظر نماید و از هستی خود گذرد. مجلس مقدس شورای ملی هم هرگز راضی به‌آن مطلب نیست و اقدامات لازمه خواهد کرد. دولت هم تکلیف خود را عمل می‌نماید و بهتر است که قسمی از طرف انجمن اقدام که حاجت به‌این ترتیب بلکه اقدامات خارجه نشود و مجبوراً سفرای خارجه مداخله نکنند<sup>(۷)</sup>. چون من خودم مؤسس این انجمن هستم، محض ادای تکلیف اول اظهار کردم و خیر طالبم که مجبور به‌بعضی اقدامات دیگرم نکنند. در هر صورت و به هر حال، من حالا اصفهانیم و نیک‌نامی شما را طالبم. البته در میان شما عقلاً هست. از این بیانات که می‌نمایم، شایسته عقلاً هست و عدالت تصدیق می‌کند گناهکار هیچ‌وقت گریبان از چنگ عدالت خلاصی نیست. به‌دیگران چه ربطی است و گناه دیگران

چه؟ - ظل السلطان. (ش ۲۷، ص ۵)

### مذاکرات انجمن مقدس ملی، سه‌شنبه ۲۰

عریضه‌ای منتخبین محترم اتحادیه علمی عمومی طلاب علوم دینیه به انجمن نموده و خواهش کرده بودند که یک نفر را منتخب نموده، به انجمن فرستاده شود. از انجمن قبل از این مدتی است انجمن نظار معین شده و از انجمن اعلان عمومی داده‌اند که آقایانی که حق انتخاب دارند، ورقه تعرفه از انجمن نظار بگیرند برای تعیین منتخب؛ و انجمن نظار منعقد است. حال هم آقایان مرقوم متن و عموم آقایان طلاب از انجمن نظار تعرفه انتخاب گرفته و منتخب خود را مطابق نظامنامه معین نموده تا روزی که مقرر است، برای گرفتن آراء و تعیین منتخب آقایان طلاب هم معلوم، و در انجمن محترم تشریف می‌آورند. تلگراف دیگر از حجة الاسلام آقای آسید عبدالله بهبهانی مخابره شده بود.

### صورت تلگراف

خدمت ذی شرافت سرکار حجة الاسلام و آقای ثقة الاسلام سلمه‌الله<sup>(۸)</sup> تعالی معلوم می‌شود از قضایای طهران و اقدامات بعضی و نتایج سوئی که حاصل شده، خاطر شریف مسبوق نیست امروز تکلیف عموم علما در اسکات مردم و رفع فتنه است که مفسدین در نظر عامه نتوانند طور دیگر جلوه دهند و مخرب اساس مقدس شورای ملی بدانند چون مغرضین این اساس از راه بلواجویی در مقام تخریب بوده‌اند، از هر کجا صدایی بلند شود، حمل بر آن مقصد می‌شود. فتنه از این دو روزه اصفهان خوش‌نما نشده، حفظ شئونات و مراتب علمای اعلام و حجج اسلام بر داعی فرض و متحتم است و آنچه اینجا باید اقدام بنماید، می‌نماید؛ ولی اسکات مردم آن حدود و رفع فتنه عاجلاً لازم است که زیاده بر این پیرایه بسته نشود و نتوانند مخربین شرع عنوانی به‌دست آورده و توهین وارد آورند. انتظار بشارت رفع غائله را از جنابان عالی دارد. - داعی عبدالله الموسوی البهبهانی.

(ش ۲۷، ص ۷)

## استبداد روشنفکرانه در مشروطیت دوم

بررسی روند مطبوعات و جراید اصفهان در دوران مشروطیت، قبل از آنکه خوانندگان و یا علاقه‌مندان به تاریخ را به خود نشریه و روزنامه‌های آن دوران مشتاق کند، بی‌اختیار آنان را به تحول حوادث و سیر سریع تغییر اوضاع زمانه می‌کشاند؛ اوضاعی که در دوران مشروطیت و سرنوشت آن جنبش بزرگ اسلامی - ملی تأثیرات فراوانی داشته و در روند تاریخی حرکت ملت ایران در سده اخیر، سخت مؤثر افتاده است. در این فراز، درکنار اشاره به روند و محتوای روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، باید اطلاعات و داده‌های تاریخی خود را کامل‌تر کرد و درکنار این جریده مهم، به روند اوضاع و احوال سیاسی اصفهان پرداخت.<sup>(۹)</sup>

روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان - چنان‌که اشاره شد - در دوره اول مشروطیت (۱۳۲۶-۱۳۲۴)، بیانگر دیدگاه و مذاکرات و روند حاکمیت مذهبی در مشروطیت اصفهان بود. ولی این حاکمیت و برداشت مذهبی از مشروطیت، در دوره دوم مشروطیت، دچار تحولات و تغییرات محسوسی شد؛ چرا که حاکمیت و ریاست مرحوم آیت‌الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی بعد از فتح تهران، با مشکلات و موانعی روبه‌رو شد و عناصر فرصت‌طلب، مانند همیشه، با دیدگاه‌های کمتر مذهبی (و بیشتر غرب‌گرا) توانستند جای پای در مشروطیت دوم به دست آورند. از طرفی، دربین خوانین بختیاری که حاکمان متنفذ پایتخت بودند، افکار و آرای متشتت و اهداف غیرمشترک و مرموزی نیز راه داشته است و هر یک از آنان، شعاری و یا سودایی در سر داشتند. با مراجعه به تاریخ، معلوم می‌شود که در جریان فتح تهران توسط قوای بختیاری و قوای گیلان، نقاط ضعف و ابهامات تاریخی فراوانی وجود داشته، چنان‌که تثبیت اولیه حاکمیت جدید، با فاجعه‌ای خونبار و شرم‌آور - یعنی اعدام شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری<sup>(۱۰)</sup> در رجب ۱۳۲۷ قمری - همراه بوده است. این حرکت و جنایت روشن، عوارض و اثرات سویی در روحانیت شیعه و روند سیاست آن روز در پی داشته است که از جمله آنها می‌توان به روند حذف گسترده علمای سیاسی شیعه از نهضت مشروطیت اشاره کرد، چه، روند «استبداد روشنفکرانه غرب‌گرایان» در مشروطیت، در فاصله کمی به اصفهان

نیز رسید. در این باره در یکی از اسناد آن دوره آمده است: در جلسه روز پنجشنبه مجلس، روز ۲۳ شعبان ۱۳۲۷، تلگرافی از اصفهان از صمصام السلطنه خوانده شد در لزوم تبعید آقانجفی و آقا شیخ نورالله. قرار شد صمصام السلطنه، آقانجفی را به عتبات روانه نماید و از طرف هیئت مدیره، آقا شیخ نورالله به تهران احضار گردد. (افشار، ۱۳۶۱: ۱۶۹)

البته اینکه چرا اینان نتوانستند در اجرای فوری این نقشه خود موفق شوند، مهم‌ترین علت، اختلاف شدید خود خوانین بختیاری بود که تعدادی از آنان از پیروان و ارادتمندان دو مجتهد مذکور بودند و آن چند نفر دیگر از خوانین هم که با دو مجتهد اصفهانی مخالف بودند، از نفوذ و پایگاه مردمی این دو عالم بزرگ در بین مردم اصفهان و اهالی بختیاری به خوبی مطلع بودند.

#### اختلاف حاکمان جدید در تهران

در باره اختلاف بین سران بختیاری در تهران و نیز قوای فاتح تهران، بحث زیاد است<sup>(۱)</sup>. اسناد به جامانده از آن دوران، به نحوی منعکس کننده جو اختلاف و هرج و مرج کلی کشور است. در یکی از اسناد، در این باره چنین نوشته شده است:

نوزدهم رجب‌المرجب ۱۳۲۸ هجری قمری، ما امضاکنندگان ذیل به کلام مجید و به بانی و شرف و ناموس و وطن، قسم یاد کرده‌ایم که از امروز، تاریخ نوزده شهر رجب‌المرجب ۱۳۲۸، متحداً و متفقاً در راه دین مبین اسلام و بقای مشروطیت و استقلال مملکت ایران و دفع اشرار و قلع و قمع ریشه فساد تا وقتی که عمر داریم، بکوشیم و از جان و مال و اهل و عیال در راه مقصود مقدس به هیچ وجه من‌الوجه مضایقه و خودداری نکنیم و هرگاه خدای نخواست یک نفر از این چهار نفر امضاءکنندگان ذیل به وسوسه شیطنانی از جاده حقیقت و این مقصد عالی منحرف شد و از شرافت قومیت صرف‌نظر نمود، بر سه نفر دیگر فرض واجب است که به هر وسیله باشد، آن شخص را دفع نماید. خداوند تبارک و تعالی را در این اتحاد خودمان حاضر و ناظر دانسته، به شرایط فوق عمل خواهیم نمود.

محل مهر عبدالحسین سردار محیی، محل مهر ابراهیم بختیاری (ضرعام السلطنه)، محل مهر ستار (سردار ملی)، محل مهر باقر (سالار ملی). (نقل از مجله راه‌آورد

مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۴۹

### سیر تحولات دوران مشروطیت در اصفهان

بنابر آنچه تاکنون عنوان شد، برای بررسی فضا و حاکمیت سیاسی در شهر اصفهان و توابع در عصر مشروطیت، می‌توان به سه دوره و تحول اساسی اشاره کرد:

اول: دوره مشروطیت اول - ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ قمری - دوران ریاست مرحوم حاج آقانورالله؛

دوم: دوره بعد از به‌توپ بستن مجلس و تعطیل انجمن‌های ملی مشروطیت در فاصله ماه‌های آخر ۱۳۲۶ و ماه‌های اول ۱۳۲۷ قمری؛

سوم: دوره بعد از فتح اصفهان و سپس فتح پایتخت و فرار محمدعلیشاه و قدرت‌یافتن خوانین بختیاری و بازگشایی مجلس.

از روند حوادث اصفهان چنین برمی‌آید که روزنامه انجمن اصفهان از انعکاس این تحولات و حوادث برکنار نبوده است و لحظه به لحظه ما را به دنبال حوادث و وقایع می‌کشانند.

مطبوعات اصفهان، به‌علت قدرت داشتن علما و نیز حمایت ایل بختیاری و یکپارچگی مشروطه‌خواهان، مطالب سیاسی و تحولات کشور را با قوت و جسارت تجزیه و تحلیل می‌کردند. قبل از نقل مدلول و محتوای یک شماره دیگر از این جریده تاریخی، به‌عنوان مستندی بر متن تاریخ تحولات اصفهان، مناسب است به سایر اسناد و مدارک تاریخی نگاهی انداخته شود تا معلوم شود که ارزش تاریخی و جایگاه اصفهان و دیدگاه علما و مشروطه‌خواهان این شهر درقبال حوادث سه دوره یادشده به چه صورت تجلی یافته است. علت تأکید و توقف زیاد در این قسمت و مقطع تاریخی شاید بر اهل تاریخ پوشیده نباشد؛ ولی از باب روشن‌شدن بهتر مسئله باید گفت که در برهه زمانی مذکور، اصفهان یکی از دو قطب مهم تعیین‌کننده روند مشروطیت کشور بوده است و به‌علت دیدگاه مذهبی در مشروطیت این شهر، و از طرفی دیدگاه افراطی و غرب‌گرا در جناح دیگر مشروطیت، معمولاً مورخان نتوانسته‌اند از نظرگاه‌های این گروه و جناح در وقایع یادشده دقیقاً اطلاع حاصل کنند.

## اسناد و مدارک تاریخی در دوره مشروطیت اصفهان

آنچه نویسنده این سطور در این قسمت از مدارک و اسناد تاریخی ذکر می‌کند، از نظر سندشناسی و مدارک تاریخی، برای تبیین تاریخ مشروطیت ایران است که یا به آنها توجه نشده و یا به‌طور کلی تاکنون به‌صورت مناسب معرفی و منتشر نشده‌اند؛ به‌خصوص چند سند آخر به‌علت آنکه نسخه خطی آن از یک صندوق قدیمی خانوادگی به‌دست آمد، برای اولین بار است که نگاشته و منتشر می‌شود.<sup>(۱۲)</sup>

در هر حال، سه سند اول به بعد از به‌توپ بسته‌شدن مجلس و قبل از فتح پایتخت مربوط می‌شود که در آن، دیدگاه علما و مشروطه‌خواهان اصفهانی در مکاتبه و تلگراف با محمدعلیشاه نموده شده است.

## سند اول: ۲۰ ع ۲، سواد تلگراف

جناب مستطابان شریعتمداران حجت‌الاسلام آقاجفی و آقا شیخ نورالله دامت‌برکاتهما و سایر علمای اعلام و اعیان و خوانین و تجار اصفهان تلگراف شما ملاحظه و معلوم شد حسن نیت قلبی ما را در استرضای قلوب و استحصال مقاصد ملت ملتفت شده‌اید. لذا توضیحاتی می‌نویسیم که چند ماه تعطیل مجلس شورای ملی که به حکم ضرورت پیش آمد، اساس مشروطیت را در مملکت مختل نساخته تا ایجاد قانون اساسی دیگر لازم آید. قانون اساسی ایران بر روی همان پنجاه‌ویک اصل که لاحقاً به امضای ما مصدق شده، پایدار است و اگر تغییر اصلی از آن مقتضی شود، فقط بعد از انعقاد و تصویب مجلسین موضوع بحث تواند شد. جمعی از کارآگاهان متعهد دولت و ملت مشغول ترتیب نظامنامه انتخابات هستند بر روی اساس صحیحی که معمول ملل متمدنه عالم است و این دو سه روزه منتشر خواهد شد. نمایندگان ملت باید موافق نظامنامه تا غره رجب منتخب و در طهران حاضر شده باشند؛ یعنی هر چه زودتر ممکن شود انتخابات به‌عمل آمده. همین‌که دو ثلث نمایندگان ملت در طهران حاضر شدند، مجلس شورای ملی به مبارکی در طهران افتتاح خواهد یافت. بعد از این تصریحات، البته پاره‌ای اشخاص را به بهانه نخواهد ماند که اغراض

### مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۵۱

خود را در نظر ابنای وطن لباس ملت‌پرستی پوشانیده و در تفریق بین شاه و رعیت اقدام نمایند. پس اشتیاق قلبیه و مراحم ملوکانه ما را بر عموم رعایای آن صفحات که به منزله اولاد گرامی هستند، ابلاغ نموده، مصلحت اتحاد دولت و ملت را در قبال خطرات و خیمه که از نفاق خانگی تولید شده، از نظر دور ندارید که ارکان اسلامیت و ایرانیت در روی مبانی اتحاد ثابت و استوار خواهد ماند.

محمدعلی شاه قاجار

(روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۷: ۱۷)

روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان در دوره اول مشروطیت، بیانگر دیدگاه و مذاکرات و روند حاکمیت مذهبی در مشروطیت اصفهان بود. این حاکمیت و برداشت مذهبی از مشروطیت در دوره دوم مشروطیت، دچار تحولات و تغییرات محسوسی شد.

سند دوم: صورت تلگراف محمدعلی شاه و جواب آقانجفی و حاجی آقا نورالله و سران

بختیاری به شاه

چون برای تهیه ضروریات مملکت و ندادارک حوایج ملت، تنظیم و ترتیب اداره دولتی شرط اول است و تاکنون دوایر دولتی بر روی اساسی صحیح مرتب نبوده و اغتشاشات ادارات، تولید انواع مشکلات و هرج و مرج نموده، روز به روز سلاسل نظم و امنیت از هم گسیخته است، لهذا برای ترتیب ادارات دولت و مملکت، بهترین اساس است از تاریخ امروز که چهاردهم شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ است، به میمنت و سعادت در مملکت ایران برقرار فرمودیم تا نمایندگان ملت و عقلای مملکت در حل و فصل مشکلات امور و تدوین قوانین برحسب احتیاجات وطن عزیز و به مقتضیات وقت به میزان شرع مبین و مذهب اسلام با اولیای دولت موافقت نموده، در استحکام مبانی نظم و امنیت و معدلت و استحصال موجبات سلامت و سعادت مملکت مساعی جمیله به کار برده، بعون‌الله تعالی از میان توجّهات حضرت صاحب‌الامر — عجل‌الله تعالی فرجه

— بلایای جور و نفاق به مزایای شور و اتفاق مرتفع و بساط انقلاب و اختلاف به اساس عدل و رفاه مبدل گردد. علیهذا مطابق نظامنامه انتخابات که عن قریب منتشر خواهد شد، باید در غره شهر رجب ۱۳۲۷، نمایندگان ملت منتخب شده، هر چه زودتر در طهران حاضر شوند که انشاءالله تعالی در تهیه اسباب ترقی سعادت مملکت ساعی و جاهد باشند.

محمدعلی شاه قاجار

سند سوم: جواب دستخط همایونی (جواب باغشاه) در تاریخ شانزدهم ربیع الثانی در پیشگاه معدلت پناه بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی دام سلطانه، عرایض متظلمانه خود را تقدیم می‌داریم.

حضرت احدیت و ذات مقدس شاهانه و ساکنین بسیط زمین گواه و مطلع‌اند که ملت مظلوم مستمند تا چه اندازه برای رفع تعطیل موقتی دارالشورای ملی و اجرای مواد قانون اساسی با اغراض فاسده خائنین چند دچار شده و قریب نیکنami است که هیچ طور بذل جان و مال در اعاده این حق مشروع خود فروگذار نکرده و مغرضین نگذاشتند مستدعیات آنان به عرض آستان اعلیٰ برسد. اینک پس از خرابی مملکت و ملت، به امضای مبارک شاهنشاهی دستخطی مخابره می‌کنند و به طوری وانمود می‌نمایند که دولت ایران مشروطه نبوده و به تازگی برای رفع اغتشاشات و استقرار تنظیمات، رأی مبارک ملوکانه را به اعطای مشروطیت و ایجاد قانون اساسی جلب نموده و حال آنکه ناله مظلومین بیچاره ایران را در تمام اهل عالم شنیدند و وطن‌فروشی چند که دشمن تاج و تخت بودند، نگذاشتند به سمع مبارک برسد. دولت ایران به یادگار پدر تاجدار میرورت انارالله برهانه به تمام دنیا به مشروطیت معرفی شده و ملت ایران قانون اساسی مرکب بر پنجاه‌ویک اصل مزین به دستخط آن شاهنشاه میرور و متمم آن را متضمن بر یک صد و هفت اصل موشح به امضای اقدس همایونت آلوده به خون خود تحصیل کرده، کروورها اموال و هزارها نفوس مظلومانه در راه ابقای آن اساس و اجرای آن قانون که ضمانت سلطنت را در خانواده آن اعلیحضرت می‌کند، صرف نموده و اینک احیاء و اجرای آن قانون را خونبها و تدارک تلفات خود می‌داند و از آنجاکه مواد قانون اساسی

مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۵۳

به تصدیق و صحنه علمای اعلام و حجج اسلام و آیات و باهرات الهی بین‌الانام رسیده و تمام با موازین شرع اقدس مقدس تطبیق فرموده‌اند، دیگر تغییر و تحریف یک ماده و یا یک حرف آن را حسب‌التکلیف اسلامی خلاف مسلمانی می‌دانیم و در همچو روزی که تمام ملل و دول و عقلای عالم رفع انقلابات داخلی و استقلال داخلی و استقلال ایران و ایرانی را موقوف به اجرای قواعد مشروطیت و افتتاح مجلس می‌دانند و تمام روزنامه‌های دنیا فریاد می‌کنند، ما ملت مظلوم هم با نهایت امیدواری از مراحم کامله خسروانه استرحام و استدعا می‌کنیم که امر و مقرر فرمایید بدون فوت وقت این آتش برافروخته را به یک فرمایش ملوکانه که امر به انتخابات برطبق قانون اساسی و تشکیل مجلس باشد، خاموش فرموده، عالم انسانیت را رهین منت و تمام ایران را قرین تشکر فرمایید. — شیخ محمدتقی‌النجفی، شیخ نورالله‌النجفی، نجفقلی بختیاری، علی‌قلی بختیاری، انجمن ولایتی، عموم علماء، عموم تجار و اعیان، عموم ملت اصفهان، خوانین بختیاری. (روزنامه جهاد/کبر، ۱۳۲۷ ق.)

ازجمله اسناد و مدارکی که می‌تواند مجموعه اسناد و مستندات این تحقیق را پربارتر کند، اسناد و مدارکی است که رجال و علما و اشخاص صاحب‌نفوذ آن زمان به اصفهان نوشته‌اند و این اسناد و مدارک به‌نحوی به اصفهان و فضای پر قدرت سیاسی این شهر مربوط می‌شده است.

سند چهارم: تلگراف از طهران به اصفهان، نمره ۲۳، ۱۳۲۷

جنابان مستطابان ملاذالانام ثقة‌الاسلام<sup>(۱۳)</sup> و آقای میرزا ابوالقاسم زنجانی<sup>(۱۴)</sup> و آقای میرمحمدتقی مدرس و حاجی میرزا عبدالحسین و عموم علمای عظام سلمه‌الله‌تعالی!

تلگراف تبریکات عموم علما و اهالی که مشعر بر نیات حسنه و ادعیه خالصانه بود، واصل و از مدلول آن اطلاع حاصل و موجب خوشوقتی خاطر گردید. پیوسته از درگاه خداوندی مسئلت و از حضرت امام عصر — عجل‌الله فرجه — استمداد می‌نمایم که به انجام این امر مهم و اجرای مکنونات قلبیه در اصلاح امور مملکت و استحکام اساس معدلت و ترقی

ملت موفق باشیم و از هر جهتی موجبات آسایش و آسودگی اهالی فراهم شود.

علیرضا قاجار

(از مجموعه اسناد خطی نویسنده)

#### سند پنجم

حضور محترم انور شریعتمدار آقای ثقة الاسلام و علمای اعلام مدظلهما تلگراف سرافراز غریب نوازی زیارت شد. منتظر الاکرام بالانعام در حمایت اسلام و تعجیل انتقام و قصاص شرعی هستیم. تعطیل حقوق و حدود شرعی و تضییع احکام الهیه روا نیست.

عبدالحسین الموسوی<sup>(۱۵)</sup>

(از مجموعه اسناد خطی نویسنده)

سند ششم: از نائین به اصفهان - نمره ۱۳، ۱۳۲۷

توسط انجمن مقدس ملی، حضور حضرت حجة الاسلام (آقانجفی) آقای ثقة الاسلام مدظله!

الحمد لله از برکت انفاس مقدس حضرت عالی، نائین تازه از قید استبداد رهایی بسته و مردم همگی آسوده به دعاگویی مشغول اند. نایب الحکومه هم حقیقتاً برای ترویج شریعت مطهره و اساس مقدس عدالت و مساوات نهایت جد و جهد دارد و اهالی متشکرنند. اگر نسبت به او ترویجی شود، مناسب است.

داعی محمدعلی مجتهد

#### سند هفتم

نامه‌ای است به خط مرحوم آیت الله میرزا حسین نائینی که در سنوات اولیه مشروطیت به حاج آقانورالله نوشته است. ارزش تاریخی این نامه در این است که مرحوم نائینی، نویسنده مشهورترین و مهم‌ترین کتاب سیاسی در تبیین اصول مشروطیت برطبق اسلام و مذهب شیعه است. از ایشان کمتر در مسائل عملی

مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۵۵

سیاسی دوران مشروطیت اثر و یا مکتوبی به چشم خورده است. نامه زیر، یکی از اسناد و آثاری است که نشان از دقت و پیگیری این مرجع بزرگ شیعه در مسائل دارد. از نکات مهم این نامه تاریخی؛ خبری است که مرحوم نائینی درباره ملحق شدن آیت‌الله سیداسماعیل صدر<sup>(۱۶)</sup> به علمای مشروطه‌خواه می‌دهد.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

به عرض می‌رساند البته خبر هیجان خراسان به عرض رسیده، قضایای لارستان و آقا سیدعبدالحسین... هم البته معروض شده است. دیروز هم تلگراف تبریز از طریق استامبول رسید که خوی و مراغه و مرند و ارومیه را ملت تصرف کرده‌اند. نمی‌دانیم در اصفهان انتظار چه روزی نشسته‌اند. جریده چهره‌نمای مصر، شرح حالی متعلق به اصفهان نوشته؛ لفا ارسال شد. لطف فرمایید مردم بخوانند از حال خودشان لاقلاً باخبر شوند. یکی از احکام سابقه که حضرت حجة‌الاسلام آقای صدر هم با آقایان حجج دامت ظللالهم معین کرده‌اند، عکس آن را دست گرفتیم؛ لفا انفاذ شد. شاید مردم اصفهان از این اجماع آقایان حجج به تکلیف مسلمانی خود متنبه شدند و با برادران آذربایجان و خراسان و طوالش و غیرها همدست شوند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

محمدحسین‌نائینی، غره ذی‌الحجه ۱۳۲۶

(از مجموعه اسناد خطی نویسنده)

به توسط حضرت مستطاب آقای ظهیرالاسلام

حضور مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاهی، خلدالله ملکه! تکلیف علمای اعلام این است که اموری که خیر و صلاح دولت و ملت است، بدون پرده عاجزانه عرضه دارند. در حضور مبارک مکشوف است که ملت ایرانیه خلفاً عن سلف بر اطاعت احکام حجج اسلام نجف اشرف می‌باشند و اطاعت احکام آنها را از لوازم اسلامیت خودشان می‌شمارند. در این صورت، با وجود احکام محکمه حجج اسلامی بر وجوب مشروطیت، رفع فساد و فتنه و خونریزی از ایران محال و ممتنع است بشود مگر به استقرار مجلس شورای ملی و ابقای مشروطه موعود مطابق قانون اساسی. دیگر امر، امر مبارک است. داعی محمدتقی‌النجفی، داعی

ابوالقاسم الزنجانی، داعی حاجی سید اسماعیل، داعی ابوطالب الحسن الحسینی، داعی شیخ نورالله، داعی حاجی محمد اسماعیل، داعی حاجی سید محمد جواد، داعی محمد علی کلباسی، داعی محمد هاشم کلباسی، محمد رضا کلباسی. (از مجموعه اسناد خطی نویسنده)

### پی نوشت ها

۱. در اینجا جا دارد یاد استاد فقید، محقق متواضع و دانشمند پرکار و بزرگوار، جناب آقای سید مصحح الدین مهدوی را گرامی بداریم. بسیاری از آثار و مقالات و کتب ایشان در جهت احیای قسمتی از میراث کهن این شهر بوده است. رجال شناسی، سند شناسی، احیای کتب،... خدمات ارزشمند فرهنگی و اجتماعی، حاصل کار و عمر پربرکت این استاد معظم بوده است.

۲. در این راستا باید به گفته شاردن فرانسوی که اصفهان را «دارالعلم شرق» نامیده است، با تعمق بیشتری نگریست.

۳. در این مورد ر. ک. به مقاله سید مصحح الدین مهدوی در نجفی و جعفریان: ۱۳۷۳.

۴. برای توضیح بیشتر و اطلاع از کم و کیف حرکت شرکت اسلامی، ر. ک. به فصل اول کتاب اندیشه سیاسی و تاریخی نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی (نجفی، ۱۳۶۹).

۵. البته رکورد وضعیت فعالیت های مطبوعاتی در دهه اخیر شهر اصفهان باید در ابعاد مختلف ریشه یابی و بررسی شود. بیان این رکورد، بیان واقعیت تلخی است که باید در پی رفع آن برآمد.

۶. در متن اعلامیه معلوم نیست که این شخص، چه کسی است؛ ولی به احتمال زیاد، از آنجاکه اسم ایشان یا لقب (حجة الاسلام) آمده است، باید آیت الله سید محمد باقر درچه ای باشد.

۷. این قسمت از متن نامه ظل السلطان و تهدیدی که در این جمله نهفته است، از شدت و میزان وابستگی مسعود میرزا ظل السلطان به دول خارجه حکایت می کند. به خوبی می توان حدس زد نزدیک به سه دهه حکومت مستبدانه و فساد انگیز این شخص، چه بر سر مردم این شهر آمده است و چه میزان عناصر سیاست خارجی بر شئون مردم دخالت

مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۵۷

می‌کرده‌اند. در هر حال، لحن نامه و جملات تهدیدآمیز ظل‌السلطان و اعتراف وی به قدرت و حمایت خارجه، از نظر تاریخی قابل توجه است.

۸. در اکثر تلگراف‌ها و اسناد تاریخی این دوره، لقب حجة الاسلام و ثقة الاسلام آورده شده است. منظور از حجة الاسلام، آقاجفی و ثقة الاسلام، حاج آقا نورالله اصفهانی است.

۹. به نظر می‌رسد مجموعه مقالات و اسناد و اطلاعات مطبوعات دوره مشروطیت

اصفهان، برای شناخت کامل تاریخ سیاسی و فکری اصفهان کافی نباشد؛ چراکه در مطبوعات به هر حال کاستی‌ها و محدودیت‌هایی وجود داشته است. از جمله این کاستی‌ها

این بوده است که به هر روی مطبوعات از بسیاری از اسناد و مدارک و قضایای پشت پرده اطلاعی نداشته و از طرفی برخی دیدگاه‌های اقلیت و مخالف را به طور جامع منعکس

نمی‌کرده‌اند. با این وصف، به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند منبع پرارزش تاریخی جراید و مطبوعات اصفهان را در دوره مشروطیت کامل و پربار و جامع‌تر کند، اسناد و مدارک

تاریخی منتشر نشده و نیز تلگراف‌ها و خاطره‌نویسی‌ها و یادداشت‌های اشخاص است که در متن قضایا و جریانات سیاسی و اجتماعی شاهد و ناظر بوده‌اند.

۱۰. مرحوم آیت‌الله حاجی شیخ فضل‌الله نوری، از مجتهدان طراز اول پایتخت بوده

که در قیام تنباکو در تهران نقش مؤثری داشته است. وی در جریان نهضت مشروطیت، با روند غربی‌شدن و تجدد مآبی افراطی گروهی از مشروطه‌خواهان به مخالفت برخاست

و با قید اصلاحی مشروعه کردن مشروطه، سعی داشت حاکمیت اسلامی ضدغرب را در مشروطیت برقرار کند و سرانجام با تسخیر تهران توسط قوای فاتح بختیاری و گیلانی،

در روز ۱۳ رجب ۱۳۲۷ قمری به شهادت رسید. (برای بررسی زندگی مبارزات و شهادت مظلومانه شیخ شهید، منابع و اسناد متعددی وجود دارد؛ که به عنوان نمونه رجوع شود به:

ابوالحسنی، ۱۳۶۸ و ترکمان، ۱۳۶۲).

۱۱. البته قوای بختیاری در موقع حرکت از نواحی بختیاری، دچار نوعی تفرقه و

اختلافات قبیله‌ای و ایلی بوده است. قوای بختیاری به‌خصوص با دو سر کرده خود، صمصام‌السلطنه و ضرغام‌السلطنه، به دعوت و حکم مرحومان آقاجفی و حاج آقانورالله

برای کمک به قوای علما در اصفهان وارد شهر شدند؛ شهری که چندروزی بود شاهد درگیری‌های مسلحانه نیروهای مسلح طرفدار علما با قوای معدالدوله — حاکم اصفهان

— بود. این فتح و پیروزی، اولین حرکتی بود که استبداد محمدعلی‌شاه را بعد از به‌توپ بستن مجلس در ایران شکست. نکته قابل ذکر این است که بعد از فتح تهران، بین علما و

خوانین بختیاری در مورد اعزام نیرو به تهران اختلاف شدیدی روی داد.

۱۲. این اسناد، از یکی از صندوق‌های قدیمی مربوط به شخص حاج آقا نورالله به‌دست آمده است. خدا را سپاس می‌داریم که این اسناد با ارزش و صدها سند معتبر دیگر که هریک قسمت‌های مهمی از تاریخ ایران، اصفهان و روحانیت شیعه را تشکیل می‌دهد، از دست تجاوز شیاطین روزگار و تحریف و نابودی نجات یافت و بعد از گذشت فاصله زمانی یک قرن، باز هم می‌تواند روشنائی بخش گوشه‌ای از تاریخ باشد.

۱۳. قبلاً یادآوری شد که منظور از ثقة‌الاسلام در تلگراف‌ها و مکاتبات دوره مشروطیت و بعد از آن در جراید و اسناد اصفهان، رییس مشروطه‌خواهان اسلامی یعنی مرحوم آیت‌الله حاج آقا نورالله است.

۱۴. مرحوم آیت‌الله میرزا ابوالقاسم زنجانی، حاکم شرع اصفهان و از علمای متنفذ و سیاسی خوشنام اصفهان بوده است که در سال ۱۳۳۳ قمری در اصفهان درگذشت. نویسندگان روشنفکرزده و برخی کتب موضع‌دار سیاسی، از این شخصیت روحانی و مبارز اصفهانی، به‌خاطر شرکت وی در فتوای قتل دوبابی به سال ۱۳۲۱ قمری، شدیداً به وی اهانت و حمله کرده‌اند. به نظر راقم سطور، چهره و سیمای مرحوم زنجانی و مواظبت وی در اجرای حدود شرعی جای هیچ تردیدی را درباره او باقی نمی‌گذارد و چهره مجتهدی توانمند و مقتدر ترسیم می‌کند. از وی آثار و مخطوطاتی در زمینه حکومت و مشروطیت و قانون دیده شده است که با انتشار آنها می‌توان اندیشه سیاسی و تفکر منسجمی را در وی مشاهده کرد.

۱۵. عبدالحسین الموسوی، مجتهدی بزرگ از خطه فارس و لارستان، همان مرحوم آیت‌الله حاج سید عبدالحسین لاری است که از شاگردان به نام و مبرز میرزای بزرگ شیرازی — مجدد مذهب و صاحب فتوای تنباکو — بوده است. مرحوم لاری، تفکری شریعت‌خواهانه در مشروطیت داشته است و خود مدت‌ها در مناطق وسیعی از فارس حکومت دینی و اسلامی برقرار کرده بود. نزدیکی تفکر و نیز علایق مشترک بین ایشان و مرحوم آیت‌الله حاج آقا نورالله نجفی، امری بدیهی و یقینی به نظر می‌رسد. تلگراف فوق، مؤیدی تاریخی بر سخن ما است.

۱۶. آیت‌الله سیداسماعیل صدر، از مراجع باتقوا و زاهدی است که نامش بعد از ارتحال میرزای شیرازی، جزء مراجع بزرگ نجف همواره مطرح بوده است. ایشان پدر آیت‌الله سید صدرالدین صدر — از مراجع تقلید — بوده‌اند.

مروری بر تاریخ مشروطه‌خواهی در اصفهان ۲۵۹

- ابوالحسنی، علی. ۱۳۶۸. *پایداری تا پای‌دار*. تهران: نور.
- افشار، ایرج. ۱۳۶۱. *خاطرات مستشارالدوله صادق*. تهران: فردوسی، طلایه.
- ترکمان، محمد. ۱۳۶۲. *مجموعه رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات، لوایح و روزنامه‌های شیخ شهید فضل‌الله نوری*. تهران: رسا.
- روزنامه اصفهان، ش ۴، ذی‌القعدة ۱۳۲۴ ه. ق.
- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۲۷، اصفهان.
- روزنامه جهاد اکبر، اصفهان، ۱۳۲۷ ه. ق.
- روزنامه جبل‌المتین، س ۱۷، ش ۴۷۰، جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ه. ق.
- صدر هاشمی، محمد. ۱۳۶۳. *تاریخ جراید و مجلات ایران*. ج ۴. اصفهان: انتشارات کمال.
- کسروی، احمد. ۱۳۷۸. *تاریخ مشروطیت ایران*. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- مجله راه‌آورد وحید، ضمیمه مجله ارمنان، سال نهم، ۲ ج، ج ۱: ۱۳۰۷، ج ۲: ۱۳۱۱، تهران: مطبوعه ارمنان، چاپ فردوسی.
- مهدوی، سید مصحح‌الدین. ۱۳۷۳. *سده تحریم تنباکو*. دفتر اول. تهران: امیرکبیر.
- نجفی، موسی. ۱۳۶۹. *اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۶. *حکم نافذ آقانجفی*. قم: انتشارات اسلامی.
- نصر، سیدحسن. ۱۳۶۲. «مکتب اصفهان»، *تاریخ فلسفه در اسلام*. ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

بریت حضرت سحاب بن طاهر بن مسلم دوم اجداد

حضرت سارک بن محمد بن ابن بن خنده به سلم تصنیف عمار بن مسلم که در کتاب خود مینویسد

صوت دست بر این بوده عجز از خدمت دارند در حضرت سارک بن طاهر که در کتاب خود مینویسد

صفحه تصنیف بجز بر طاعت خطام صحیح بنام کتب است که در کتاب خود مینویسد

از دلم به دست خود نی میسازند در این صورت با وجود خطام کتب صحیح است که در کتاب خود مینویسد

سرودت برف و دفته در خون ریزی از این سال و دست خود که در کتاب خود مینویسد

عده ای در سرودت سروده عیان تا زنی بیاورد که در این باره است  
در این کتاب خود مینویسد که در این کتاب خود مینویسد  
در این کتاب خود مینویسد که در این کتاب خود مینویسد

محمد بن سید



